

به نام خدا

آموزش عدالت اجتماعی: برابری و حمایت در آموزش و پرورش

مولفان :

مهوش میری

زیور کوشکی

گوهر دژپسند

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: میری، مهوش، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور: آموزش عدالت اجتماعی: برابری و حمایت در آموزش و پرورش /
مولفان مهوش میری، زیور کوشکی، گوهر دژپسند.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۳۷۱-۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۲۷]-۱۵۰.
عنوان دیگر: برابری و حمایت در آموزش و پرورش.
Educational equalization -- Iran موضوع: برابری آموزشی -- ایران
Social justice -- Iran عدالت اجتماعی -- ایران
Education -- Iran آموزش و پرورش -- ایران
شناسه افزوده: کوشکی، زیور، ۱۳۶۲-
شناسه افزوده: دژپسند، گوهر، ۱۳۵۲-
رده بندی کنگره: LC۲۱۳/۳
رده بندی دیویی: ۳۷۹/۲۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۱۴۶۷۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: آموزش عدالت اجتماعی: برابری و حمایت در آموزش و پرورش
مولفان: مهوش میری - زیور کوشکی - گوهر دژپسند
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۳۷۱-۶-۶
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	فصل اول.....
۷.....	مبانی عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران.....
۷.....	مروری تاریخی: برابری در سنت های تربیتی فارسی.....
۹.....	تعریف عدالت اجتماعی در بافت ایرانی.....
۱۲.....	تأثیر آموزه های اسلامی بر عدالت اجتماعی.....
۱۶.....	نظام مدرسه نوین ایران و چالش های آن.....
۱۹.....	برابری در مقابل برابری: درک تفاوت.....
۲۱.....	نقش سیاست های دولت و برنامه درسی ملی.....
۲۴.....	نابرابری های منطقه ای در دسترسی و کیفیت.....
۲۷.....	ساختن یک فلسفه آموزشی فراگیر.....
۳۱.....	فصل دوم.....
۳۱.....	پرداختن به نابرابری های اجتماعی و اقتصادی.....
۳۱.....	آشنایی با چشم انداز اجتماعی و اقتصادی ایران.....
۳۵.....	تأثیر پیشینه اقتصادی بر نتایج آموزشی.....
۳۸.....	ارائه کمک های مالی و بورسیه.....
۴۱.....	پرورش استعداد از جوامع به حاشیه رانده شده.....
۴۴.....	رفع خلأهای آموزشی شهری - روستایی.....
۴۷.....	تجهیز مدارس در مناطق محروم اقتصادی.....

مشارکت با سازمان های غیردولتی و سازمان های بین المللی	۵۰
نقش بشردوستی در آموزش و پرورش ایران	۵۴
فصل سوم.....	۵۷
آموزش برای اقلیت های قومی مذهبی و زبانی.....	۵۷
نگاهی اجمالی به ملیله های متنوع قومی و مذهبی ایران	۵۷
پرورش آگاهی فرهنگی و احترام متقابل	۶۰
پرداختن به موانع زبانی در آموزش	۶۳
تجلیل از چندزبانگی و آموزش دو زبانه	۶۶
تقویت گفتگوهای ادیان در مدارس	۶۸
پرداختن به تبعیض و تعصب	۷۱
گنجاندن تاریخ ها و سنت های متنوع در برنامه درسی	۷۴
مطالعات موردی: مدرسی که از تنوع استقبال می کنند	۷۶
فصل چهارم.....	۷۹
آموزش فراگیر برای دانش آموزان دارای معلولیت.....	۷۹
درک توانایی های مختلف و نیازهای خاص	۷۹
زیرساخت و آموزش برای آموزش فراگیر	۸۲
پرداختن به انگ ها و ادراکات اجتماعی	۸۵
استفاده از فناوری های کمکی در مدارس	۸۸
برنامه های درسی متناسب و برنامه های آموزشی فردی	۹۱
تربیت معلم و توسعه حرفه ای	۹۳

۹۶ مشارکت والدین و حمایت جامعه
۹۹ داستان های موفقیت: قهرمانان فراگیری در ایران
۱۰۳ فصل پنجم
۱۰۳ سلامت روان و بهزیستی عاطفی در آموزش و پرورش
۱۰۳ شناخت اهمیت سلامت روان در موفقیت تحصیلی
۱۰۶ پرداختن به انگ ها پیرامون سلامت روان در فرهنگ ایرانی
۱۰۹ ادغام ذهن آگاهی و تکنیک های کاهش استرس
۱۱۱ ارائه مشاوره و حمایت روانی در مدارس
۱۱۵ پرداختن به تروما و رشد پس از سانحه در کلاس درس
۱۱۷ تربیت معلم برای کمک های اولیه عاطفی و روانی
۱۲۰ تشویق حمایت همتایان و ابتکارات دانش آموزی
۱۲۳ همکاری با خانواده ها برای حمایت جامع دانش آموزی
۱۲۷ منابع
۱۲۷ منابع فارسی

فصل اول

مبانی عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران

مروری تاریخی: برابری در سنت های تربیتی فارسی

مفهوم عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ریشه های تاریخی عمیقی به ویژه در بافت ایران دارد. هدف این بخش، بررسی عمیق مبانی عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران، ردیابی سیر تحول آن از طریق سنت های آموزشی فارسی در طول قرن هاست. از طریق تحلیل تحولات تاریخی و شخصیت های کلیدی، ما اصول و فلسفه های زیربنایی را که به دنبال عدالت آموزشی در ایران شکل داده اند، کشف خواهیم کرد.

میراث آموزشی ایران به تمدن های باستانی مانند امپراتوری هخامنشی برمی گردد که در آن تلاش هایی برای تضمین دسترسی عادلانه به آموزش انجام شد. در دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) ایده جامعه عادلانه با دسترسی به آموزش پیوند تنگاتنگی داشت. محققانی مانند فارابی و ابن سینا با تأکید بر اهمیت انتشار دانش برای عدالت اجتماعی، کمک قابل توجهی به تفکر تربیتی فارسی کردند (فراهانی، ۱۳۹۴، ص ۳۲).

عصر طلایی اسلامی که از قرن هشتم تا سیزدهم را در بر می گیرد، شاهد پیشرفت های چشمگیری در آموزش در جهان اسلام از جمله ایران بود. دانشمندان برجسته ای مانند فارابی و ابن سینا (ابعلی سینا) اهمیت آموزش را در ترویج برابری و عدالت اجتماعی برجسته کردند (ابن سینا، ۹۸۰-۱۰۳۷ م). مشارکت های آن ها زمینه را برای شیوه های

آموزشی عادلانه فراهم کرد که همچنان بر آموزش ایرانی تأثیر می‌گذارد (احمدی، ۲۰۱۹، ص ۴۵).

سلسله صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶ میلادی) دورانی مهم در تاریخ ایران را رقم زد که طی آن شاه عباس اول اصلاحات آموزشی اساسی را آغاز کرد. هدف این اصلاحات تضمین دسترسی به آموزش برای همه، صرف نظر از وضعیت اجتماعی یا اقتصادی بود. تأسیس مدارس دینی یا مدارس، نقشی تعیین کننده در این تلاش ایفا کرد و این ایده را ترویج کرد که آموزش باید یک حق اساسی باشد (نجفی، ۱۳۹۶، ص ۷۸).

انقلاب مشروطیت ایران در اوایل قرن بیستم تحولات چشمگیری در فضای آموزشی کشور به وجود آورد. انقلاب بر لزوم دسترسی عادلانه به آموزش تأکید داشت که منجر به گسترش مدارس و ورود دختران به نظام آموزشی شد (کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). این نقطه عطفی بود که نشان دهنده تعهد فزاینده ملت به عدالت اجتماعی از طریق آموزش بود.

در دوران مدرن، جمهوری اسلامی ایران همچنان عدالت اجتماعی را در اولویت آموزش قرار داده است. سیاست‌های آموزشی برای رفع نابرابری‌ها در دسترسی و کیفیت ایجاد شده‌اند. طرح جامع آموزش که در سال ۱۳۶۵ ارائه شد، با هدف پر کردن شکاف آموزشی بین شهری و روستایی، نشان دهنده تعهد دولت به عدالت بود (خسروی، ۱۳۸۹، ص ۹۳).

علاوه بر این، سیاست‌های اقدام مثبت برای حمایت از گروه‌های به حاشیه رانده شده، مانند اقلیت‌های قومی و افراد دارای معلولیت، در دسترسی به آموزش اجرا شده است. این سیاست‌ها شامل نظام‌های سهمیه بندی و برنامه‌های آموزشی ویژه بوده است (موحد، ۱۳۹۷، ص ۶۷).

در حالی که ایران گام‌های مهمی در ارتقای عدالت اجتماعی در آموزش برداشته است، چالش‌ها همچنان ادامه دارد. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، نابرابری‌های جنسیتی و نابرابری‌های منطقه‌ای همچنان موضوع‌های نگران‌کننده هستند. پرداختن به این چالش‌ها

ها نیازمند رویکردی چند وجهی است که اصلاحات سیاستی را با مشارکت جامعه و همکاری بین المللی ترکیب می کند (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴).

مبانی عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران عمیقاً در سنت ها و فلسفه های تاریخی کشور ریشه دارد. از تمدن های باستانی تا به امروز، پیگیری عدالت آموزشی یکی از اصول اصلی تفکر آموزشی فارسی بوده است. با بررسی این چشم انداز تاریخی، به بینش هایی در مورد اصول و ارزش هایی دست می یابیم که همچنان به تعهد نظام آموزشی ایران به عدالت اجتماعی شکل می دهند.

تعریف عدالت اجتماعی در بافت ایرانی

عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش موضوعی حیاتی در جامعه معاصر ایران است که بیانگر گفتمان گسترده تر جهانی در ایجاد فرصت های آموزشی عادلانه برای همه است. این بخش به بررسی مبانی عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران می پردازد و به دنبال تعریف این مفهوم در بستر خاص ایران است. عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی سیاسی که چشم انداز آموزشی در ایران را شکل داده اند و چگونگی ارتباط این عوامل با اصول عدالت اجتماعی را بررسی می کند. هدف این بخش از طریق بررسی تحقیقات و پژوهش های اخیر، روشن کردن چالش ها و فرصت های ارتقای عدالت اجتماعی در نظام آموزشی ایران است.

عدالت اجتماعی در آموزش ابعاد مختلفی از جمله دسترسی به آموزش با کیفیت، توزیع عادلانه منابع آموزشی و رفتار عادلانه با افراد در نظام آموزشی را در بر می گیرد. همچنین شامل پرداختن به مسائل تبعیض، نابرابری و به حاشیه رانده شدن است. در بافت ایران، عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش، متأثر از تاریخ غنی و تنوع فرهنگی کشور، خصلت منحصر به فردی به خود می گیرد.

ایران طی سال ها، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، گام های مهمی در گسترش دسترسی به آموزش برداشته است. با این حال، نابرابری ها هنوز وجود دارند و پرداختن

به این نابرابری‌ها برای دستیابی به عدالت اجتماعی ضروری است. مطالعه اخیر رضایی (۲۰۲۲) توزیع نابرابر منابع آموزشی را در مناطق مختلف ایران نشان می‌دهد که مناطق روستایی اغلب با چالش‌هایی از نظر زیرساخت و کیفیت معلم مواجه هستند. تلاش برای پر کردن این شکاف‌ها برای پیشبرد عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران ضروری است (رضایی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

برای شناخت ریشه‌های عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایرانی، باید بنیان‌های تاریخی را در نظر گرفت که این نظام را شکل داده است. در طول تاریخ، ایران خانه تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلفی بوده است که هر کدام اثر خود را در چشم‌انداز آموزشی بر جای گذاشته‌اند. به عنوان مثال، امپراتوری ایران به دلیل تعهدش به آموزش و پرورش، با دانشمندان و فیلسوفانی مانند ابن سینا که سهم قابل توجهی در توسعه دانش داشتند، شناخته شده بود (حکیم زاده، ۲۰۱۸، ص ۳۲).

با این حال، بسیار مهم است که اذعان کنیم که همه اقشار جامعه در ایران تاریخی دسترسی برابر به آموزش نداشتند. تأثیر طبقه، جنسیت و قومیت در فرصت‌های آموزشی موجود مشهود بود. در حالی که انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ تغییرات قابل توجهی را در نظام آموزشی ایجاد کرد، رسیدگی به نابرابری‌های تاریخی همچنان یک چالش مداوم است. تحقق عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش مستلزم مقابله با این میراث تاریخی و تلاش در جهت شیوه‌های آموزشی فراگیرتر و عادلانه‌تر است.

تنوع فرهنگی ایران یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی است که در تعریف عدالت اجتماعی در آموزش باید مورد توجه قرار گیرد. این کشور محل زندگی گروه‌های قومی و زبانی مختلف است که هر کدام میراث فرهنگی منحصر به فرد خود را دارند. تأمین عدالت اجتماعی در آموزش مستلزم شناخت و احترام به این تنوع است.

کار جلالی (۲۰۲۱) بر اهمیت گنجاندن آموزش فرهنگی پاسخگو در مدارس ایران تأکید دارد. آموزش فرهنگی پاسخگو پیشینه‌های متنوع دانش‌آموزان را تصدیق می‌کند و به دنبال ایجاد محیط‌های یادگیری فراگیر است که هویت فرهنگی آنها را ارزش‌گذاری و

تأیید می‌کند. این رویکرد با اصول عدالت اجتماعی همسو است، زیرا در تلاش است تا تعصبات فرهنگی را از بین ببرد و برابری را در آموزش ترویج کند (جلالی، ۲۰۲۱، ص ۷۸).

بافت سیاسی-اجتماعی ایران نقش بسزایی در شکل‌گیری گفتمان عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش دارد. این کشور دوره‌هایی از تحولات و تحولات سیاسی را تجربه کرده است که تأثیر مستقیمی بر نظام آموزشی داشته است. درک پویایی‌های سیاسی-اجتماعی برای توسعه استراتژی‌های موثر برای ارتقای عدالت اجتماعی بسیار مهم است.

کار فرهنگی (۱۳۹۹) بینشی از رابطه ایدئولوژی‌های سیاسی و آموزش در ایران ارائه می‌دهد. این نشان می‌دهد که چگونه تغییر در سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های دولت بر توسعه برنامه درسی، آموزش معلمان و دسترسی به آموزش تأثیر گذاشته است. برای دستیابی به عدالت اجتماعی در آموزش، پیمایش در پیچیدگی‌های چشم‌انداز اجتماعی سیاسی و اطمینان از همسویی سیاست‌ها و شیوه‌های آموزشی با اصول عدالت و انصاف ضروری است (فرهنگی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۲).

در حالی که نظام آموزشی ایران در زمینه‌های مختلف پیشرفت کرده است، چالش‌های متعددی در جستجوی عدالت اجتماعی وجود دارد. یکی از چالش‌های مهم شکاف جنسیتی در آموزش است. اگرچه گام‌های مهمی در ارتقای تحصیل دختران برداشته شده است، اما همچنان در برخی مناطق نابرابری وجود دارد (مقدم، ۱۳۹۸، ص ۱۶۷). پرداختن به این نابرابری‌ها برای دستیابی به برابری جنسیتی در آموزش، یکی از جنبه‌های اساسی عدالت اجتماعی، ضروری است.

علاوه بر این، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی همچنان بر نتایج آموزشی در ایران تأثیر می‌گذارد. گزارش اخیر وزارت آموزش و پرورش ایران (۲۰۲۳) بر لزوم تمرکز بر مناطق و جوامع محروم اقتصادی تأکید می‌کند تا اطمینان حاصل شود که همه دانش‌آموزان

دسترسی برابر به فرصت های آموزشی دارند (وزارت آموزش و پرورش ایران، ۲۰۲۳، ص ۲۲).

با وجود این چالش‌ها، فرصت‌هایی نیز برای ارتقای عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران وجود دارد. پیشرفت در فناوری این پتانسیل را دارد که شکاف های جغرافیایی را پر کند و دسترسی به آموزش با کیفیت را گسترش دهد. پلتفرم‌های یادگیری آنلاین، زمانی که با در نظر گرفتن جامعیت طراحی شوند، می‌توانند به دسترسی به جمعیت‌های محروم کمک کنند (رضوی، ۲۰۲۱، ص ۹۸). علاوه بر این، سازمان‌های جامعه مدنی و ابتکارات مردمی در حمایت از برابری آموزشی و عدالت اجتماعی در ایران مؤثر بوده‌اند (کریمی، ۲۰۲۲، ص ۴۵).

تعریف عدالت اجتماعی در بافت ایران نیازمند رویکردی چند وجهی است که میراث تاریخی، تنوع فرهنگی، چشم‌انداز اجتماعی-سیاسی و چالش‌ها و فرصت‌های معاصر را در نظر بگیرد. تحقق عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش فرآیندی مستمر است که نیازمند تلاش جمعی سیاستگذاران، مربیان، پژوهشگران و جامعه مدنی است. با پرداختن به نابرابری‌ها در دسترسی، منابع و درمان، ایران می‌تواند به تحقق اصول عدالت اجتماعی در سیستم آموزشی خود نزدیک‌تر شود و در نهایت به نفع جمعیت متنوع خود و کمک به جامعه‌ای عادلانه‌تر باشد.

تأثیر آموزه های اسلامی بر عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی مفهومی چند وجهی است که متأثر از عوامل مختلف فرهنگی، تاریخی و فلسفی است. در بستر تعلیم و تربیت ایرانی، نمی‌توان تأثیر عمیق آموزه های اسلامی در توسعه و درک عدالت اجتماعی را نادیده گرفت. این بخش به بررسی رابطه پیچیده بین اصول اسلامی و عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این آموزه ها سیاست ها، عملکردها و نتایج آموزشی را شکل داده است. با بررسی تلاقی دین و آموزش در ایران، به بینشی از مبانی عدالت اجتماعی و عدالت در نظام آموزشی کشور می‌پردازیم.

برای درک تأثیر آموزه های اسلامی بر عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران، لازم است به اصول اساسی اسلام مربوط به عدالت بپردازیم. قرآن، کتاب مقدس اسلام، منبع اصلی هدایت مسلمانان است. در آیات آن، عدالت موضوعی تکراری است. همانطور که در قرآن (حجرات ۱۳:۴۹) آمده است: «ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را قوم و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوارترین شما در نزد شماست. خدا پرهیزگارترین شماست، همانا خداوند دانا و آگاه است.»

این آیه بر اهمیت عدالت و انصاف در میان مردم تأکید می کند و بر این نکته تأکید می کند که ارزش و ارزش یک فرد به حقانیت آنها تعیین می شود، نه پیشینه اجتماعی یا قومی. چنین آموزه های اسلامی عمیقاً در نظام آموزشی ایران ریشه دوانده است و به عنوان پایه ای برای تقویت عدالت اجتماعی عمل می کند. (قرآن، حجرات ۱۳:۴۹)

تأثیر آموزه های اسلامی بر عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران را می توان در ریشه های تاریخی اسلام در منطقه جستجو کرد. ایران تاریخ طولانی و پیچیده ای با اسلام دارد که به قرن هفتم میلادی بازمی گردد که این دین به امپراتوری ایران معرفی شد. در طول قرن ها، اصول اسلامی عمیقاً در فرهنگ و جامعه ایران، از جمله مؤسسات آموزشی آن ادغام شده است.

در دوران طلایی اسلامی که از قرن هشتم تا سیزدهم رخ داد، ایران مرکز پیشرفت های فکری و علمی بود. دانشمندانی مانند ابن سینا (ابن سینا) و الرازی (رازس) در زمینه های مختلف دانش از جمله پزشکی، فلسفه و نجوم مشارکت قابل توجهی داشتند. کار آنها نه تنها ریشه در اخلاق اسلامی داشت، بلکه اصول عدالت و برابری را نیز ترویج می کرد.

علاوه بر این، تأسیس مدارس (مؤسسات آموزشی اسلامی) در ایران پیوند اسلام و آموزش را بیشتر مستحکم کرد. این مدارس در حفظ و اشاعه معارف اسلامی از جمله آموزه های مربوط به عدالت و عدالت اجتماعی مؤثر بودند. (فولتزر، ۲۰۱۳، ص ۸۲)

در ایران معاصر، تعلیم و تربیت اسلامی نقش محوری در شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای دانش‌آموزان دارد. تعلیم و تربیت اسلامی در برنامه‌های درسی در همه سطوح از ابتدایی تا آموزش عالی ادغام شده است. دانش‌آموزان از سنین پایین با آموزه‌های اسلامی که شامل درس‌های اخلاق، اخلاق و عدالت است، قرار می‌گیرند.

یکی از اصول اساسی تربیت اسلامی در ایران، ترویج عدالت اجتماعی است. این امر در تأکید بر برابری، شفقت و همدلی در تعالیم اسلام مشهود است. به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که با دیگران با انصاف رفتار کنند و از حقوق حاشیه‌نشینان و ستمدیدگان دفاع کنند.

به عنوان مثال، مفهوم «عدل» در اسلام محدود به اعمال فردی نیست، بلکه به ساختارها و نهادهای اجتماعی نیز تسری پیدا می‌کند. آموزه‌های اسلامی خواستار ایجاد جوامعی عادلانه است که در آن حقوق همه افراد صرف نظر از وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها محفوظ است. این اصل در فلسفه تعلیم و تربیت ایران گنجانده شده و خط مشی‌هایی را با هدف ایجاد یک نظام آموزشی عادلانه بیان می‌کند. (عبداللهمیان، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴)

تأثیر آموزه‌های اسلامی بر عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران در سیاست‌های آموزشی کشور نیز نمود یافته است. دولت ایران اقدامات عمده‌ای را برای اطمینان از دسترسی به آموزش برای همه، صرف نظر از عوامل اجتماعی و اقتصادی، انجام داده است. این تعهد به فراگیری با اصول اسلامی عدالت و برابری همسو است.

یکی از سیاست‌های مهم، ارائه آموزش رایگان در تمام سطوح از جمله آموزش عالی است. هدف این سیاست حذف موانع اقتصادی بر سر راه آموزش و تضمین این است که هر فردی فرصت کسب دانش و مهارت را دارد. ایران با در دسترس قرار دادن آموزش برای همه، به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و عادلانه‌تر است.

علاوه بر این، نظام آموزشی ایران بر تربیت اخلاقی و اخلاقی تأکید زیادی دارد. اخلاق اسلامی در برنامه درسی ادغام شده است و دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که احساس مسئولیت اجتماعی قوی داشته باشند. به آنها آموزش داده می‌شود که آموزش نه تنها

وسیله ای برای پیشرفت شخصی بلکه ابزاری برای کمک به بهبود جامعه به عنوان یک کل است. (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶)

اگرچه تأثیر آموزه های اسلامی بر عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران قابل توجه است، اما خالی از چالش و نقد نیست. برخی از منتقدان استدلال می کنند که ادغام نزدیک دین و آموزش ممکن است آزادی آکادمیک و تنوع افکار را محدود کند. آنها نگرانی هایی را در مورد پتانسیل تلقین و سرکوب تفکر انتقادی در مؤسسات آموزشی مطرح می کنند.

علاوه بر این، در داخل ایران بحث هایی در مورد تفسیر معارف اسلامی و کاربرد آن در آموزش و پرورش وجود دارد. دیدگاه های مذهبی و ایدئولوژیک متفاوتی وجود دارد که منجر به بحث در مورد میزان تأثیر اصول اسلامی بر سیاست ها و عملکردهای آموزشی می شود.

علیرغم این چالش ها، ضروری است که بدانیم ادغام آموزه های اسلامی در آموزش ایرانی عمیقاً در بافت فرهنگی و تاریخی کشور ریشه دارد. این نشان دهنده تعهد واقعی به ترویج عدالت و برابری اجتماعی است، ارزش هایی که در اخلاق اسلامی بسیار مورد توجه است. (خسروی، ۱۳۹۸، ص ۷۸)

تأثیر آموزه های اسلامی بر عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران، پدیده ای پیچیده و چندوجهی است. اسلام از ریشه های تاریخی تا ادغام آن در سیاست ها و شیوه های آموزشی معاصر، نقش بسزایی در شکل دادن به پایه های عدالت اجتماعی در ایران داشته است. اصول قرآنی عدالت، برابری و شفقت، با تأکید فراوان بر فراهم کردن فرصت های یادگیری در دسترس و عادلانه برای همگان، اخلاق آموزش و پرورش ایرانی را آگاه ساخته است.

با وجود چالش ها و بحث ها، نمی توان تأثیر عمیق آموزه های اسلامی بر عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران را انکار کرد. این یک رویکرد منحصر به فرد برای

تقویت عدالت اجتماعی است که عمیقاً در بافت فرهنگی و مذهبی کشور جا افتاده است. همانطور که ایران به حرکت در تلاقی پویای دین و آموزش ادامه می دهد، بینش های ارزشمندی را در مورد رابطه پیچیده بین ایمان و عدالت اجتماعی در زمینه های آموزشی ارائه می دهد.

نظام مدرسه نوین ایران و چالش های آن

نظام آموزشی نوین ایران در دهه های اخیر دستخوش دگرگونی های مهمی شده است که نشان دهنده تعهد کشور به ارائه آموزش با کیفیت و قابل دسترس برای شهروندان است. با این حال، مانند بسیاری از سیستم های آموزشی در سراسر جهان، با چالش های متعددی مواجه است که بر توانایی آن در ارائه اصول عدالت اجتماعی و برابری تأثیر می گذارد. این بخش سیر تحول نظام مدرسه مدرن ایران را بررسی می کند و چالش هایی را که برای دستیابی به عدالت اجتماعی با آن مواجه است، برجسته می کند. همچنین سیاست ها و ابتکارات دولت را با هدف رسیدگی به این چالش ها و ایجاد چشم انداز آموزشی عادلانه تر بررسی می کند.

برای درک چالش های پیش روی نظام آموزشی مدرن ایران، بررسی تحولات تاریخی آن ضروری است. ریشه های آموزش رسمی در ایران را می توان به دوران باستانی که دانشمندان و مراکز آموزشی در این منطقه رونق داشتند، جستجو کرد. با این حال، سیستم مدارس مدرن که امروزه وجود دارد، ریشه در اواخر قرن نوزدهم در زمان سلسله قاجار دارد. تأسیس دارالفنون، یک مؤسسه آموزشی نوین پیشگام، نقطه عطفی در آموزش و پرورش ایران بود. این نهاد آموزش و پرورش به سبک غربی را معرفی کرد و پایه و اساس نظام آموزشی معاصر ایران را پایه گذاری کرد. (صدقی، ۱۳۹۰، ص ۳۴)

یکی از دستاوردهای چشمگیر نظام آموزشی نوین ایران، گسترش دسترسی به آموزش است. دولت تلاش های هماهنگی برای افزایش نرخ ثبت نام به ویژه در سطوح ابتدایی و متوسطه انجام داده است. اجرای قوانین آموزش اجباری در حصول اطمینان از دسترسی کودکان به آموزش ابتدایی مؤثر بوده است. در نتیجه، ایران به ثبت نام تقریباً جهانی در

آموزش ابتدایی دست یافته است، یک شاهکار قابل توجه که به هدف عدالت اجتماعی در آموزش کمک می کند. (بانک جهانی، ۲۰۲۰، ص ۵۶)

یکی دیگر از جنبه های قابل توجه نظام آموزشی مدرن ایران، تعهد آن به برابری جنسیتی است. ایران پیشرفت قابل توجهی در ارتقای آموزش دختران داشته است و امروزه تعداد دختران در بسیاری از برنامه های دانشگاهی از پسران بیشتر است. تلاش های دولت برای از بین بردن نابرابری های جنسیتی در آموزش با اصول عدالت اجتماعی هماهنگ است، زیرا هدف آنها فراهم کردن فرصت های آموزشی برابر برای همه، صرف نظر از جنسیت است. (کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۹۲)

در حالی که نظام آموزشی مدرن ایران گام های مهمی در گسترش دسترسی به آموزش و ترویج برابری جنسیتی برداشته است، با چالش های متعددی مواجه است که بر توانایی آن در اجرای اصول عدالت اجتماعی تأثیر می گذارد.

نابرابری های اجتماعی-اقتصادی: نابرابری های اجتماعی-اقتصادی در دسترسی به آموزش با کیفیت در ایران همچنان ادامه دارد. کودکان خانواده های کم درآمد اغلب با موانعی برای پیشرفت تحصیلی مواجه هستند، از جمله زیرساخت های مدرسه ناکافی و دسترسی محدود به منابع آموزشی. این نابرابری ها هدف عدالت اجتماعی در آموزش را تضعیف می کند، زیرا نابرابری را تداوم می بخشد. (عسگری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸)

کیفیت آموزش: با وجود افزایش دسترسی، نگرانی ها در مورد کیفیت آموزش در ایران همچنان باقی است. برنامه درسی و روش های تدریس موضوع بحث است و منتقدان استدلال می کنند که آنها به اندازه کافی دانش آموزان را برای چالش های دنیای مدرن آماده نمی کنند. تضمین آموزش با کیفیت بالا برای همه همچنان یک چالش مهم است. (موحدزاده، ۱۳۹۹، ص ۷۵)

برنامه درسی و تأثیرات ایدئولوژیک: برنامه درسی مدارس ایران به شدت تحت تأثیر دیدگاه های ایدئولوژیک و مذهبی حکومت است. در حالی که این موضوع منعکس

کننده بافت فرهنگی و تاریخی کشور است، اما نگرانی هایی را در مورد آزادی دانشگاهی و تنوع افکار نیز ایجاد می کند. منتقدان استدلال می کنند که یک برنامه درسی بازتر و فراگیرتر برای پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت ضروری است. (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۴۲)

نابرابری در آموزش عالی: با وجود پیشرفت در سطوح ابتدایی و متوسطه، نابرابری در آموزش عالی ادامه دارد. دسترسی به دانشگاه های معتبر و رشته های تحصیلی خاص می تواند تحت تأثیر عواملی فراتر از شایستگی علمی، از جمله ارتباطات سیاسی باشد. این باعث ایجاد حس بی عدالتی در بین دانشجویان و از بین رفتن اعتماد به عدالت در نظام آموزش عالی می شود. (بهشتی ۱۳۹۸ ص ۱۲۳)

دولت ایران به این چالش ها اذعان دارد و ابتکارات مختلفی را برای رفع آنها به اجرا گذاشته است. اینها شامل سرمایه گذاری های هدفمند در مناطق محروم، اصلاحات برنامه درسی و تلاش برای ارتقای کیفیت تدریس است. علاوه بر این، دولت اقداماتی را برای ترویج تحقیق و نوآوری در آموزش و پرورش با هدف همسویی سیستم مدرسه با خواسته های اقتصاد مدرن انجام داده است. در حالی که پیشرفت هایی حاصل شده است، هوشیاری مداوم و تلاش های اصلاحی برای ادامه پیشبرد عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش ایران ضروری است. (وزارت آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۸)

نظام آموزشی نوین ایران در گسترش دسترسی به آموزش و ترویج برابری جنسیتی پیشرفت قابل ستایشی داشته است. با این حال، بدون چالش نیست، از جمله نابرابری های اجتماعی-اقتصادی، نگرانی در مورد کیفیت آموزش، تأثیرات ایدئولوژیک در برنامه درسی، و نابرابری های مداوم در آموزش عالی. پرداختن به این چالش ها برای اطمینان از تحقق کامل اصول عدالت اجتماعی و برابری در آموزش و پرورش ایران ضروری است. از آنجایی که دولت ایران به تلاش های خود برای اصلاح و بهبود سیستم مدارس ادامه می دهد، نقشی محوری در شکل دادن به آینده آموزش و پرورش کشور ایفا خواهد کرد.

برابری در مقابل برابری: درک تفاوت

مفاهیم برابری و برابری محور بحث عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش است. در حالی که این اصطلاحات اغلب به جای یکدیگر استفاده می شوند، آنها رویکردهای متمایز را برای رسیدگی به نابرابری ها و ترویج عدالت در سیستم های آموزشی نشان می دهند. در زمینه آموزش ایرانی، درک تفاوت های ظریف برابری و برابری و چگونگی شکل دهی آنها به سیاست ها و عملکردها ضروری است. این بخش به بررسی تفاوت بین برابری و برابری و کاربرد آنها در چشم انداز آموزشی ایران می پردازد و پیچیدگی های دستیابی به عدالت اجتماعی در جامعه ای متنوع و پویا را روشن می کند.

برای شروع کاوش، تعریف مفاهیم برابری و برابری بسیار مهم است. برابری به این ایده اشاره دارد که با همه باید یکسان رفتار شود، بدون تبعیض یا رفتار ترجیحی بر اساس تفاوت های فردی. در زمینه آموزش، برابری به معنای ارائه منابع، فرصت ها و حمایت های یکسان برای همه دانش آموزان، صرف نظر از پیشینه یا نیازهای آنهاست.

از سوی دیگر، عدالت تصدیق می کند که افراد نقاط شروع و نیازهای متفاوتی دارند. تشخیص می دهد که دستیابی به انصاف ممکن است مستلزم ارائه سطوح مختلف پشتیبانی و منابع برای گروه ها یا افراد مختلف باشد تا اطمینان حاصل شود که همه فرصت برابر برای موفقیت دارند. در حوزه آموزش، برابری بر پرداختن به نابرابری ها و بستن شکاف های پیشرفت تمرکز دارد.

در بافت ایران، تمایز بین برابری و برابری به ویژه با توجه به تنوع جمعیتی کشور مرتبط است. ایران محل زندگی گروه های قومی، مذهبی و اجتماعی-اقتصادی مختلف است که هر کدام نیازها و چالش های آموزشی منحصر به فردی دارند. دستیابی به عدالت آموزشی در ایران مستلزم درک همه جانبه این تفاوت ها و تدوین سیاست ها و راهبردهای هدفمند است.

یکی از چالش‌های کلیدی در ایران، تضمین دسترسی به آموزش با کیفیت برای گروه‌های حاشیه‌نشین، از جمله اقلیت‌های قومی و آن‌هایی که در مناطق روستایی هستند، است. در حالی که اصل برابری در قانون اساسی ایران ذکر شده است، دستیابی به عدالت واقعی در آموزش همچنان یک تلاش پیچیده و مداوم است.

ایران گام‌های مهمی در ترویج برابری در آموزش برداشته است. دولت سیاست‌هایی را با هدف اطمینان از دسترسی همه کودکان به آموزش، صرف نظر از پیشینه آنها، اجرا کرده است. به عنوان مثال، قوانین آموزش اجباری برای به حداقل رساندن اختلاف در دسترسی به مدرسه اجرا شده است.

علاوه بر این، دولت ایران از خانواده‌های کم درآمد حمایت مالی می‌کند تا اطمینان حاصل کند که موانع اقتصادی مانع تحصیل کودکان نمی‌شود. این تلاش‌ها با اصل برابری همسو می‌شوند، زیرا هدف آنها فراهم کردن فرصت‌های یکسان برای همه دانش‌آموزان بدون توجه به وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنهاست.

در حالی که سیاست‌های مبتنی بر برابری برای ارتقای دسترسی به آموزش بسیار مهم است، ممکن است به طور کامل نیازهای متنوع دانش‌آموزان ایرانی را برطرف نکند. رویکردهای برابری محور ممکن است به طور ناخواسته چالش‌هایی را که گروه‌های حاشیه‌رانده شده با آن مواجه هستند نادیده بگیرد و منجر به نابرابری‌های مداوم در نتایج آموزشی شود.

به عنوان مثال، دانش‌آموزان دارای معلولیت در ایران ممکن است برای دسترسی کامل به برنامه درسی به منابع و پشتیبانی تخصصی نیاز داشته باشند. برابری به تنهایی ممکن است برای رفع نیازهای آنها کافی نباشد، زیرا کمک‌های اضافی لازم برای آنها برای داشتن یک تجربه آموزشی عادلانه را به حساب نمی‌آورد.

در سال‌های اخیر، در ایران اهمیت عدالت در دستیابی به آموزش فراگیر به رسمیت شناخته شده است. آموزش فراگیر بر مشارکت کامل و موفقیت همه دانش‌آموزان، از جمله افراد دارای معلولیت، در محیط‌های آموزشی عادی تأکید دارد. برابری نقش